

دوفصلنامه علمی حدیث پژوهی
سال ۱۷، بهار و تابستان ۱۴۰۴، شماره ۳۳
مقاله علمی پژوهشی
صفحات: ۱۴۱-۱۷۰

بررسی سندی و دلالتی روایات طواف کشتی نوح علیه السلام

ابراهیم ابراهیمی *

فریدون رضائی **

چکیده

در منابع قدیم و جدید به طوفان نوح علیه السلام و اتفاقات پیرامون آن اشاره شده است. در متون شیعه ضمن توجه به مسئله طوفان، روایاتی درخصوص طواف کشتی نوح بر دور کعبه نقل شده است. نوشتار حاضر به روش توصیفی تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام شده است و با تتبعی که در منابع صورت گرفت مشخص شد موضوع فوق تاکنون مورد بررسی سندی قرار نگرفته است. در نوشتار حاضر تعداد ۱۲ روایت احصا شد. اولین و بیشترین نقل‌ها مربوط به اصول کافی است که محدثان بعدی این احادیث را نقل کرده‌اند. تمامی احادیث مذکور از لحاظ سندی و دلالتی مورد بررسی قرار گرفت و مشخص شد احادیث مذکور دچار دو عارضه جدی هستند: الف) به رغم حضور افراد ثقه و جلیل‌القدر، افراد ضعیف و مجهول‌الحالی در زنجیره سند روایت وجود دارد که باعث تضعیف آن شده است و از سوی دیگر، اسناد برخی از این روایات علی‌رغم داشتن سند بعضاً معتبر از نوع مرسل و مرفوع هستند؛ ب) در متن روایات، تعارضاتی چون کمیت، محل فرود و طواف کشتی و مسئله منطقه‌ای یا جهانی بودن طوفان به چشم می‌خورد.

◀ **کلیدواژه‌ها:** بررسی سندی و دلالتی، روایات، طواف کشتی نوح علیه السلام، کعبه.

* استاد، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول) / ebrahimi978@atu.ac.ir

** دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اراک، اراک، ایران / fereiduon.rezaei@gmail.com

۱. بیان مسئله

از شریف‌ترین دانش‌های دینی، دانش حدیث است که در پرتو آن، شناخت معارف اهل بیت (علیهم‌السلام) به دست آمده و جهت‌گیری اعتقادی، اخلاقی و عبادی انسان صحیح می‌گردد. در بین دانش‌های حدیث دو علم «فقه الحدیث» و «رجال» از اهمیت بسزایی برخوردار است. علم نخست متکفل روشن ساختن مقاصد روایات بوده و علم دیگر (به همراه درایة الحدیث) امکان شناخت احوال ناقلا ن احادیث و در نتیجه شرایط نقد سند را فراهم می‌سازد (معارف، ۱۳۸۷: ۱۰).

طوفان نوح (علیه‌السلام) واقعیتی انکارناپذیر است؛ چراکه علاوه بر عقیده پیروان ادیان الهی (یهودیت، مسیحیت و اسلام)، این داستان در افسانه‌ها و اساطیر اقوام و ملل مختلف جهان نیز از جایگاه خاصی برخوردار بوده است (حسینی، ۱۳۷۹: ۱۸۱) باین حال، درباره ماهیت و جزئیات آن بیش از ششصد نوع مختلف افسانه و داستان در میان اقوام و ملل باستانی رواج دارد که در چهار گوشه دنیا نسل به نسل به ارث رسیده است (عبدالرزاق الراوی، ۲۰۱۱: ۱۳۰-۱۴۰).

در آیات ۲۵ تا ۴۹ سوره هود به ماجرای دعوت نوح (علیه‌السلام) «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ» (هود: ۲۵) و نپذیرفتن این دعوت از سوی اکثریت قوم آن جناب اشاره شده است «... وَمَنْ آمَنَ وَمَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ» (هود: ۴۰) و همچنین ماجرای طوفان با ذکر برخی از جزئیات آن آمده است؛ از جمله: «حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التُّورُ فَلْنَا أَحْمِلَ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ وَمَنْ آمَنَ وَمَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ» (هود: ۴۰).

پیشامد طوفان در منابع روایی فریقین با ذکر جزئیات بیشتری انعکاس یافته است. از مسائل قابل توجه در این احادیث، مسئله طواف کشتی نوح (علیه‌السلام) بر دور کعبه است؛ از جمله: «عَلَى، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ صَالِحِ الثَّوْرِيِّ: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه‌السلام)، قَالَ: «كَانَ طُولُ سَفِينَةِ نُوحٍ (علیه‌السلام) أَلْفَ ذِرَاعٍ وَ مِائَتِي ذِرَاعٍ، وَ عَرْضُهَا ثَمَانُ مِائَةِ ذِرَاعٍ، وَ طُولُهَا فِي السَّمَاءِ ثَمَانِينَ ذِرَاعًا، وَسَعَتْ بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ، وَ طَافَتْ بِالْبَيْتِ سَبْعَةَ أَشْوَاطٍ، ثُمَّ اسْتَوَتْ عَلَى الْجُودَى» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸: ۲۸۳)؛ علی بن ابراهیم از پدرش (ابراهیم بن هاشم) از حسن بن محبوب از حسن بن صالح ثوری نقل می‌کند که امام صادق (علیه‌السلام) فرمود: طول کشتی نوح هزار و دویست ذراع، پهنای آن هشتصد ذراع و بلندی آن هشتاد ذراع بود. کشتی میان صفا و مروه سعی کرد و هفت بار دور خانه خدا طواف انجام داد و سپس روی کوه جودی قرار گرفت.

با بررسی رجالی مشخص می‌شود که در روایت فوق با وجود ثقه بودن نفر اول، دوم و سوم روایت، نفر چهارم یعنی حسن بن صالح ثوری ازسوی رجال‌شناسان جرح شده است. ازاین‌رو ضروری است روایات فوق مورد بررسی سندی و متنی قرار گیرند.

۲. پیشنهاد تحقیق

درخصوص داستان طوفان نوح (علیه السلام) مقالاتی به شرح ذیل نگاشته شده است؛ ازجمله: «تحلیل تطبیقی طوفان نوح در تورات و قرآن» (پروین و همکاران، ۱۳۹۷)؛ «طوفان نوح در اسطوره‌های سومری و بابلی و مقایسه آن با تورات و قرآن» (جلالی شیجانی، ۱۳۹۷)؛ «طوفان نوح ازنظر تورات و قرآن مجید» (سحابی، ۱۳۴۹)؛ «بررسی تطبیقی داستان نوح (علیه السلام) تا شروع طوفان در قرآن و سفر پیدایش» (همامی، ۱۳۸۵).

در این تحقیقات مسئله طوفان نوح (علیه السلام) به‌صورت تطبیقی بین ادیان کار شده است، اما نوشتار حاضر به‌دنبال بررسی سند روایاتی است که درخصوص طواف کشتی نوح (علیه السلام) وارد شده است. با تتبعی که در منابع مختلف صورت گرفت، مشخص شد تاکنون این مسئله مورد بررسی قرار نگرفته است.

۳. بررسی سندی احادیث

تعداد ۹ روایت درخصوص موضوع طواف کشتی نوح (علیه السلام) بر دور کعبه به شرح ذیل احصا شد:

۳-۱. روایت اول

«عَلَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (ع) يَحَدِّثُ عَطَاءً قَالَ: كَانَ طُولُ سَفِينَةِ نُوحٍ أَلْفَ ذِرَاعٍ وَ مِائَتِي ذِرَاعٍ وَ عَرْضُهَا ثَمَانِمِائَةَ ذِرَاعٍ وَ طُولُهَا فِي السَّمَاءِ مِائَتَيْنِ ذِرَاعاً وَ طَافَتْ بِالْبَيْتِ وَ سَعَتْ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ سَبْعَةَ أَشْوَاطٍ ثُمَّ اسْتَوَتْ عَلَى الْجُودَى» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ۲۱۲)؛ امام صادق (علیه السلام) فرمود: طول کشتی نوح هزار و دویست ذراع، عرض آن هشتصد ذراع و ارتفاع آن هشتاد ذراع بود، کشتی میان صفا و مروه سعی کرد و هفت بار دور خانه خدا طواف انجام داد و سپس روی کوه جودی قرار گرفت.

علی بن ابراهیم، ابراهیم بن هاشم و ابن محبوب ثقه هستند (نجاشی، ۱۳۹۰: ۲۶۰؛ خویی،

۱۳۷۱، ج ۱: ۳۳۲؛ طوسی، ۱۳۷۳: ۳۳۴).

حسن بن صالح بن حی همدانی ثوری کوفی، زیدی مذهب (طوسی، ۱۳۷۳: ۱۳۰) و منتسب به فرقه صالحیه است (همان؛ حلی، ۱۴۰۲ق: ۲۱۵). کشی ذیل «فی البتریه» پس از نقل روایتی^۱ از امام صادق علیه السلام می گوید: بتریه^۲ اصحاب کثیر نواء، حسن بن صالح بن حی، سالم بن ابی حفصه، و حکم بن عینة، و سلمة بن کهیل و أبو مقدم ثابت حداد هستند (کشی، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۴۹۹). آیت الله خویی می گوید: حسن بن صالح بن حی از امام صادق علیه السلام و ابن محبوب از او روایت کرده است. او حسن بن صالح بن حی است کما اینکه در کافی و تهذیب با عنوان حسن بن صالح و حسن بن صالح ثوری ذکر شده است (خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۵: ۳۰۵). ابن ندیم درباره می گوید: حسن بن صالح بن حی از کبار شیعیه زیدیه است و از بزرگان و عالمان آن ها محسوب می شود (ابن ندیم، بی تا: ۲۵۳).

علامه مجلسی روایت فوق را به علت اشتراک صالح بین جماعتی که در میان آن ها ضعیفان، ثقات و مجهولان وجود دارد مجهول می داند (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۷: ۵۱).

۳-۲. روایت دوم

«عَلَى عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ صَالِحِ الثَّوْرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: كَانَ طُولُ سَفِينَةِ نُوحٍ عليه السلام أَلْفَ ذِرَاعٍ وَمِائَتِي ذِرَاعٍ وَعَرْضُهَا ثَمَانُ مِائَةِ ذِرَاعٍ وَطُولُهَا فِي السَّمَاءِ ثَمَانِينَ ذِرَاعاً وَسَعَتْ بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ وَطَافَتْ بِالْبَيْتِ سَبْعَةَ أَشْوَاطٍ ثُمَّ اسْتَوَتْ عَلَى الْجُودَى» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸: ۲۸۳)؛ امام صادق علیه السلام فرمود: طول کشتی نوح هزار و دویست ذراع، عرض آن هشتصد ذراع و ارتفاع آن هشتاد ذراع بود. کشتی میان صفا و مروه سعی کرد و هفت بار دور خانه خدا طواف انجام داد و سپس روی کوه جودی قرار گرفت.

راویان روایت اول و دوم مشترک اند؛ البته با این تفاوت که در روایت نخست، حسن بن صالح و در اینجا حسن بن صالح ثوری ذکر شده است، که در باور رجال شناسان، حسن بن صالح، حسن بن صالح حی و حسن بن صالح بن حی همدانی ثوری یک نفرند (طوسی، ۱۳۷۳: ۱۳۰؛ خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۵: ۳۰۵). با توجه به جرح حسن بن صالح از سوی رجال شناسان، روایت فوق در زمره احادیث ضعیف قرار می گیرد (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۷: ۵۱).

۳-۳. روایت سوم

«عَلَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ الْخُرَّاسَانِيِّ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) بِالْكُوفَةِ أَيَّامَ قَدِمَ عَلَى أَبِي الْعَبَّاسِ، فَلَمَّا انْتَهَيْنَا إِلَى الْكُنَّاسَةِ قَالَ هَاهُنَا صُلْبُ عَمِّي زَيْدٍ رَحِمَهُ اللَّهُ ثُمَّ مَضَى حَتَّى انْتَهَى إِلَى طَاقِ الزَّيَّاتَيْنِ وَهُوَ آخِرُ السَّرَّاجِينَ فَنَزَلَ وَقَالَ انْزِلْ فَإِنَّ هَذَا الْمَوْضِعَ كَانَ مَسْجِدَ الْكُوفَةِ الْأَوَّلِ الَّذِي خَطَّهُ آدَمُ (عليه السلام) ... فَقُلْتُ لَهُ كَمْ لَبَّيْتُ نُوحًا فِي السَّفِينَةِ حَتَّى نَضَبَ الْمَاءُ وَخَرَجُوا مِنْهَا فَقَالَ لَبَّيْتُهَا سَبْعَةَ أَيَّامٍ وَلَيَالِيهَا وَطَافْتُ بِالْبَيْتِ أُسْبُوعًا ثُمَّ اسْتَوْتُ عَلَى الْجُودَى وَهُوَ فِرَاتُ الْكُوفَةِ ...» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸: ۲۷۹)؛ مفصل بن عمر گوید: هنگامی که امام صادق (علیه السلام) برای دیدار ابو العباس (سفاح نخستین خلیفه عباسی) به کوفه آمد. من نیز در رکاب آن حضرت بودم. همین که به محله کناسه رسیدیم فرمود: در اینجا بود که عمویم زید رحمة الله را دار زدند، سپس رفت تا چون به طاق زیت فروشان که آخر بازار سراج‌ها بود رسید از مرکب پیاده شد و به من گفت: فرود آی این مکان مسجد کوفه نخستین است که آدم (علیه السلام) طرح آن را ریخت... به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم: نوح چه مدتی در کشتی ماند تا آب بر زمین نشست و آن‌ها از کشتی خارج شدند؟ فرمود: هفت شبانه‌روز، و کشتی هفت بار دور خانه (کعبه) طواف کرد سپس بر جودی که همان فرات کوفه است قرار گرفت.

علی بن ابراهیم، ابراهیم بن هاشم و حسن بن محبوب (همگی ثقه) در روایت اول، دوم و سوم مشترک‌اند.

هشام خراسانی مجهول است (بسام، ۱۴۲۶ق، ج ۲: ۵۳۴). آیت‌الله خویی صرفاً می‌گوید از مفصل بن عمر و ابن محبوب روایت کرده است (خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۲۰: ۳۳۸).

رجال‌شناسان شیعه آرای متضادی در خصوص جرح و تعدیل مفصل بن عمر بدین شرح نقل کرده‌اند:

الف: معدلین: شیخ مفید و شیخ طوسی او را از اصحاب امام صادق (علیه السلام) و مورد اعتماد ایشان می‌دانند (مامقانی، بی‌تا، ج ۳: ۲۳۸).

ب: جارحین: ابن غضائری، نجاشی و ابن داود او را با اوصافی چون فاسدالمذهب، مضطرب‌الروایه، مرتفع‌القول و خطابی تضعیف کرده‌اند (همان).

برخی ضمن توجیه اخبار وارده درخصوص جرح مفضل بن عمر، وثاقت او را برگزیده‌اند (خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۹: ۳۲۹؛ مامقانی، بی تا، ج ۳: ۲۳۸؛ شوشتری، ۱۴۱۰ق، ج ۱۰: ۲۰۶). نظریه مختار نوشتار حاضر این است که جرح مفضل بن عمر به دلایل ذیل ارجح است: اولاً توثیقات متأخرین و معاصران به دلیل فاصله زیاد با روایان حدیث در قرن‌های اولیه، مبتنی بر حس نیست بلکه از راه حدس و اجتهاد صورت می‌گیرد (خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۱: ۴۲). آیت الله خویی توثیقات یکی از اعلام متقدمین همچون برقی، ابن قولویه، کشی، صدوق، مفید، نجاشی و شیخ طوسی را به دلیل اینکه رأی آن مبتنی بر حس است می‌پذیرد و توثیقات متأخرین همچون شیخ منتجب الدین و ابن شهر آشوب را فقط درخصوص کسانی که هم‌عصر آنان هستند قابل قبول می‌داند، اما توثیقات افرادی چون ابن طاووس، علامه، ابن داود و علامه مجلسی را به دلیل فاصله زمانی آنان با روایان حدیث در گذشته از باب حدس و اجتهاد دانسته و آن را قابل قبول نمی‌داند؛ باین حال ایشان در مسئله جرح و تعدیل مفضل بن عمر، ضمن توجیه آرای بزرگانی چون ابن غضائری و نجاشی به وثاقت مفضل بن عمر رأی داده است (همان، ج ۱۹: ۳۳۰).

ثانیاً روایتی که محل استناد موافقان (از جمله مامقانی و ...) توثیق مفضل بن عمر قرار گرفته است: «حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادٍ بْنُ جَعْفَرٍ الْهَمْدَانِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ (ع) ... يَا مُحَمَّدُ إِنَّ الْمُفْضِلَ كَانَ أَنْسَى وَ مُسْتَرَا حَى وَ أَنْتَ أَنْسَهُمَا وَ مُسْتَرَا حُهُمَا حَرَامٌ عَلَى النَّارِ أَنْ تَمْسَكَ أَبَدًا» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱: ۳۳۹). راوی آخر آن محمد بن سنان است که درخصوص وثاقت محمد بن سنان، اختلافات بسیار جدی وجود دارد؛ به گونه‌ای که آرای اعلام متقدم نقد رجال، بر محور جرح او می‌چرخد. ازسوی دیگر محمد بن سنان مورد توثیق «انت انسهما» قرار گرفته است، که رجال‌شناسان توثیق فرد توسط نقل خود فرد را قابل قبول ندانسته و مستلزم دور می‌دانند (خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۱: ۳۷).

ثالثاً بر فرض که مفضل بن عمر را موثق بدانیم، روایت مورد نظر به دلیل حضور راوی مجهولی چون هشام خراسانی، «مجهول علی الأظهر ضعیف علی الشهر» است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۶: ۲۹۵).

۳-۴. روایت چهارم

«مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنِ الْوُشَاءِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ لِي أَبُو الْحَسَنِ (علیه السلام) إِنَّ سَفِينَةَ نُوحٍ كَانَتْ مَأْمُورَةً طَافَتْ بِالْبَيْتِ حَيْثُ غَرِقَتِ الْأَرْضُ ثُمَّ أَتَتْ مِنِّي فِي أَيَّامِهَا ثُمَّ رَجَعَتِ السَّفِينَةُ وَكَانَتْ مَأْمُورَةً وَطَافَتْ بِالْبَيْتِ طَوَافَ النِّسَاءِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ۲۱۳). امام کاظم (علیه السلام) فرمود: کشتی نوح (علیه السلام) مأموریت داشت تا هنگامی که زمین را آب گرفت، خانه کعبه را طواف کند. سپس در موسم منا به منا آمد و آنگاه کشتی بازگشت زیرا از جانب خدا فرمان داشت. آنگاه دور خانه کعبه به طواف نساء مشغول گشت.

محمد بن یحیی کثیرالحديث و ثقة (طوسی، ۱۳۷۳: ۴۳۹؛ حرّ عاملی، ۱۳۸۵ش: ۲۳۹) است. و شاء از اصحاب امام رضا (علیه السلام) و از وجوه طائفه محسوب می شود (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۹). علی بن ابی حمزه بطائنی که از سران واقفیه محسوب می شود، در ابتدا از وکلای برجسته امام کاظم (علیه السلام) و اموال بسیاری از شیعیان نزد او و سایر وکیلان امام (علیه السلام) بود. پس از شهادت امام کاظم (علیه السلام)، طمع در این اموال باعث شد که امامت امام رضا (علیه السلام) را انکار و امام کاظم (علیه السلام) را آخرین امام معرفی کنند و بدین ترتیب فرقه واقفیه پدیدار گردید (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۶؛ خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۲: ۲۵۱) اما درخصوص علی بن ابی حمزه باید گفت: اولاً کشی اخبار زیادی در جرح قطعی او نقل کرده است و به نقل از علی بن حسن بن فضال او را دروغ گو و ملعون می داند (کشی، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۷۰۵)؛ ثانیاً نجاشی در ضعف او عبارت «فطعن علیه» (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۶) آورده است؛ ثالثاً ازسوی ابن غضائری به شدت جرح شده است: «علی بن ابی حمزه - لعنة الله - اصل الوقف، و اشد الخلق عداوه للولی من بعد ابی ابراهیم (علیه السلام)» (ابن غضائری، ۱۴۲۲ق: ۸۳)؛ رابعاً شیخ طوسی هم او را ذیل «الفهرس المنسوبین الی المذاهب الفاسده» (طوسی، ۱۳۷۳: ۵۹۰) ذکر کرده است؛ خامساً اکابر محدثان شیعه همانند ابن عمیر و بزنطی و ابن محبوب و برخی دیگر از او بسیار روایت کرده اند (خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۲: ۲۴۹).

در جمع بندی مطالب فوق می توان «وثاقت او را به دوران قبل از شهادت امام کاظم (علیه السلام) و ضعف او را به دوره بعد که مذهب وقف است نسبت دهیم و عقیده متأخر او را نشانه عدم عدالت پیشین ندانیم» (کلباسی، ۱۳۸۰ش: ۱۵۱-۱۵۳)؛ از این رو بزرگان شیعه به نقل احادیث او قبل از مسئله وقف رغبت نشان داده اند (شوشتری، ۱۴۱۰ق، ج ۷: ۱۶۴). اخبار نقل شده درخصوص

واقفیه، حکایت از شدت برخورد امام رضا علیه السلام با آنان دارد؛ از جمله: واقفیه در حیرت زندگی می کنند و نهایت در حال کفر می میرند؛ واقفیه شکاکانه زندگی می کنند؛ زیدیه، واقفه و نصاب به منزله واحد هستند. امام رضا علیه السلام محمد بن عاصم را از مجالست با واقفه منع می کرد (کشی، ۱۳۶۳: ۷۵۵-۷۶۲).

از این رو علامه مجلسی این روایت را «ضعیف علی المشهور» می داند (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۷: ۵۰).

۳-۵. روایت پنجم

«عَنْهُ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عليه السلام فِي السَّنَةِ الَّتِي قُبِضَ فِيهَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، مَا لَكَ ذَبِحْتَ كَبْشًا، وَ نَحَرَ فُلَانٌ بَدَنَةً؟ فَقَالَ: «يَا أَبَا مُحَمَّدٍ، إِنَّ نُوحًا عليه السلام كَانَ فِي السَّفِينَةِ، وَ كَانَ فِيهَا مَا شَاءَ اللَّهُ، وَ كَانَتِ السَّفِينَةُ مَأْمُورَةً، فَطَافَتْ بِالْبَيْتِ وَ هُوَ طَوَافُ النِّسَاءِ، وَ خَلَّى سَبِيلَهَا نُوحٌ عليه السلام، فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَى الْجِبَالِ: أَنِّي وَاضِعٌ سَفِينَةَ نُوحٍ عَبْدِي عَلَى جَبَلٍ مِنْكُمْ، فَتَطَاوَلْتُ، وَ شَمَخْتُ، وَ تَوَاضَعَ الْجُودَى وَ هُوَ جَبَلٌ عِنْدَكُمْ...» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۳: ۳۱۸)؛ ابو بصیر می گوید: در سالی که امام صادق علیه السلام به شهادت رسید، خدمت امام کاظم علیه السلام رسیدم و گفتم قربانت شوم، چرا شما یک گوسفند را کشتید، در حالی که فلانی شتر کشت؟ امام فرمود: ای ابا محمد؟ نوح علیه السلام در کشتی بود و آنچه خدا خواسته بود در آن کشتی وجود داشت. کشتی تحت فرمان خداوند گرد خانه کعبه چرخید و آن طواف نساء بود. نوح علیه السلام کشتی را به حال خود گذاشته بود، خداوند به کوهها امر فرمود: که من کشتی بندهام نوح علیه السلام را روی یکی از شما قرار می دهم، کوهها امتناع کردند، ولی کوه جودی ابراز فروتنی کرد، و آن کوهی است که در کنار شما قرار دارد.

عنه در این روایت ناظر به أحمد بن أبی عبد الله البرقی است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۸: ۱۱۵). نجاشی و شیخ طوسی ضمن توثیق برقی، او را به نقل از ضعفا و اعتماد به مراسیل متهم کرده اند (نجاشی، ۱۳۶۵: ۷۶؛ طوسی، ۱۴۲۰ق: ۵۱). علامه حلی ضمن توثیق او می گوید: او از ضعفا روایات زیادی نقل و به مراسیل اعتماد کرده است. قمیون بر او طعن وارد کرده اند و این مربوط به خود او نیست بلکه مربوط به کسانی است که از آنها روایت کرده است؛ به همین دلیل

احمد بن محمد بن عیسی او را از قم تبعید کرد سپس او را بازگرداند و از او دلجویی کرد و در تشیع جنازه او با سروپای برهنه حاضر شد به جبران خطایی که از او در حق برقی سر زده بود. نزد من روایت او مقبول است (حلی، ۱۴۰۲ق: ۱۴).

درخصوص «علی بن حکم» باید گفت که این نام در کتب رجالی به چهار شکل آمده است:
الف: علی بن الحکم: شیخ طوسی در رجال خود او را از اصحاب امام جواد علیه السلام (طوسی، ۱۳۷۳: ۳۷۶) و علامه حلی او را اهل الانبار می داند و به نقل از کشی می نویسد: علی بن حکم خواهرزاده داود بن نعمان فرش فروش و منسوب به بنی زبیر صیارفه است، علی بن حکم شاگرد ابی عمیر است و با اصحاب بزرگ امام صادق علیه السلام ملاقات داشته و او مانند ابن فضال و ابن بکیر است. (حلی، ۱۴۰۲ق: ۹۸). قابل ذکر است که علامه حلی در رجال خود به نقل از رجال کشی پس از اسم امام صادق علیه السلام واژه «کبیر» را آورده، درحالی که این واژه در رجال کشی نیست و به جای آن واژه «کثیر» آمده است (همان).

ب: علی بن الحکم الانباری: کشی می گوید: علی بن حکم خواهرزاده داود بن نعمان فرش فروش و منسوب به بنی زبیر صیارفه است، علی بن حکم شاگرد ابی عمیر است و با اصحاب زیادی از امام صادق علیه السلام ملاقات داشته و او مانند ابن فضال و ابن بکیر است (کشی، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۸۴۰).

در انتهای ترجمه «علی بن الاحکم الانباری» در رجال کشی عبارت «و هو مثل ابن فضال و ابن بکیر» (همان) آمده است. ابن داود ضمن حذف «واو» و «هو» به جای آن ها «مثل» گذاشته است (ابن داود، ۱۳۴۲: ۲۴۳). این مسئله که ضمیر «هو» به چه کسی بازمی گردد، بین رجال شناسان اختلاف است. مامقانی می گوید: از کلام ابن داود مستفاد است که او ضمیر «هو» را به «کثیر» بازمی گرداند نه به علی بن حکم؛ زیرا او حرف عطف و ضمیر را حذف کرده و آن را به کشی نسبت داده است؛ یعنی کشی برای او مدح یا ذمی نقل نکرده است. مامقانی در ادامه می افزاید: بعضی ضمیر را به علی بن حکم بازمی گردانند و برای او ثنایی عظیم همچون ابن فضال و ابن بکیر لحاظ می کنند. علت حذف حرف عطف و ضمیر در کلام ابن داود از روی سهو قلم یا اجتهاد او بوده و برای دیگران حجت نیست و ما مکلفیم به آنچه از عبارت کشی می فهمیم، و ظاهر عبارت کشی این است که اگر غرض او تمثیل «کثیر» به ابن فضال و ابن بکیر است چه

نیازی به آوردن حرف عطف و ضمیر بود و آوردن آن دو قرینه‌ای واضح است به اینکه ضمیر به علی بن حکم بازمی‌گردد (مامقانی، بی تا، ج ۲: ۲۸۵). بنابراین با بازگشت ضمیر «هو» به علی بن حکم او مانند ابن فضال و ابن بکیر خواهد بود.

ج: **علی بن الحکم بن الزبیر**: نجاشی می‌گوید: نخعی ابوالحسن ضریر مولی، برای او عموزاده‌ای به نام علی بن جعفر بن الزبیر و دارای کتاب است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۷۴). شیخ طوسی او را مولی نخعی و اهل کوفه می‌داند (طوسی، ۱۳۷۳: ۳۶۱).

د: **علی بن الحکم الکوفی**: ازسوی عده‌ای از رجال‌شناسان توثیق شده است (طوسی، ۱۴۲۰ق: ۲۶۳؛ برقی، ۱۳۴۲: ۲۴۳؛ حلی، ۱۳۸۱: ۳۰۲؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۸۰: ۶۲). در جمع‌بندی مطالب فوق باید گفت:

اولاً عمده اختلاف در اسامی یادشده مربوط به پسوندهای علی بن الحکم است. درخصوص پسوندها؛

۱) **کوفی و نخعی**: رجالیون متقدم از او به عنوان خواهرزاده داود بن نعمان یاد کرده‌اند؛ نجاشی خاندان داود بن نعمان را کوفی و نخعی می‌داند (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۷۴) و ذیل ترجمه علی بن الحکم بن الزبیر او را نخعی، ابوالحسن ضریر که دارای پس‌عمویی به نام علی بن جعفر بن الزبیر است معرفی می‌کند (همان) و ذیل ترجمه علی بن النعمان الأعلم النخعی او و برادرش داود بن نعمان را کوفی می‌داند (همان) که ظاهراً کوفی و نخعی بودنش حکایت از شهر و قبیله او دارد.

۲) **الانباری**: شیخ طوسی از دایی علی بن الحکم یعنی داود بن نعمان با عنوان داود بن النعمان الانباری یاد می‌کند (طوسی، ۱۳۷۳: ۲۰۲) از گفته شیخ طوسی مشخص می‌شود که داود بن نعمان از الانبار است که ظاهراً ناظر به محل زندگی وی یعنی شهر انبار در حاشیه فرات در ده‌فرسخی بغداد بوده است، ازاین‌رو لقب الانباری علی بن حکم ناظر به این مسئله است.

۳) **الزبیری**: نجاشی در ترجمه ابوشعیب המחاملی ضمن توثیق او می‌گوید: او مولی علی بن الحکم الزبیری الانباری است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۴۵۶) که نشان می‌دهد «الزبیری و الانباری» پسوندهای اسم علی بن الحکم است و هر دو از یک نفر حکایت دارد،

چون در خود رجال نجاشی تنها ترجمه علی بن الحکم وجود دارد و در سایر موارد پسوندی به این اسم اضافه شده و اینکه شیخ طوسی دایی علی بن الحکم یعنی داود بن نعمان را با پسوند الانباری یاد کرده، مؤید این معناست.

ثانیاً بر همین اساس رجال شناسان بر این باورند که علی بن الحکم با پسوندهای «نخعی، کوفی، زبیری، الانباری» شرح حال یک نفر با ترجمه‌های مختلف است (شوشتری، ۱۴۱۰ق، ج ۷: ۴۴۶؛ مازندرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۴: ۴۰۱؛ خواجه‌بوی، ۱۴۱۳ق: ۱۹۸؛ اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۱: ۵۷۵). آیت‌الله خویی علی بن الحکم را همان علی بن الحکم الزبیری می‌داند که احادیث زیادی از طریق او نقل شده است و از بزرگانی چون ابوالبختری، ابی بصیر ابو حمزه ثمالی و ... روایت نقل کرده است (خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۲: ۴۱۱)؛ بنابراین راوی دوم روایت ثقة است.

عنوان ابو بصیر، مشترک بین یحیی بن ابی القاسم اسدی و لیث بن بختری مرادی دو تن از روایان امام باقر و امام صادق علیهما السلام است. بسیاری از روایاتی که نام ابوبصیر در آن آمده هیچ قیدی ندارد و برای شناسایی آن باید از قراین خارجی استمداد گرفت، باین حال در تعداد خیلی از روایات، هویت ابوبصیر مقید است و گاه برخی از این قیود ذکر شد نیز به خودی خود چندان استوار نیست و احتمال می‌رود ناشی از خلط بوده باشد. از این رو تفکیک این دو شخصیت هم عصر ساکن کوفه در پاره‌ای موارد نمی‌تواند از قطعیت برخوردار باشد (پاکتچی، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی / بخش فقه، علوم قرآنی و روایت).^۳ از آنجاکه در این روایت منظور از ابوبصیر، ابوبصیر اسدی است (نرم‌افزار درایة‌النور ذیل روایت) از پرداختن به شرح حال ابوبصیر لیث بن بختری مرادی خودداری می‌کنیم. نام ابوبصیر یحیی بن ابی القاسم اسدی در شمار اصحاب اجماع ذکر شده است که نشان از وثاقت او دارد (نجاشی، ۱۳۶۵: ۴۴۱).

روایان حاضر در سند روایت پنجم ثقة و دارای علو شأن هستند، اما باید گفت که روایت مذکور مرفوع است و در شمار احادیث ضعیف قرار می‌گیرد.

۳-۶. روایت ششم

«وَرُوي أَنَّهُ كَانَ طَوْلُ سَفِينَةِ نُوحٍ عليه السلام أَلْفًا وَمِائَتَيْ ذِرَاعٍ وَعَرْضُهَا مِائَةُ ذِرَاعٍ وَطُولُهَا فِي السَّمَاءِ ثَمَانِينَ ذِرَاعًا فَركَّبَ فِيهَا فَطَافَتْ بِالْبَيْتِ سَبْعَةَ أَشْوَاطٍ وَسَعَتْ بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ سَبْعًا ثُمَّ اسْتَوَتْ

عَلَى الْجُودَى» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۲۳۰) و روایت شده است که طول کشتی نوح علیه السلام هزار و دو یست ذراع، عرض آن صد ذراع و ارتفاع آن هشتاد ذراع بوده است، پس نوح علیه السلام بر آن سوار شد و کشتی هفت دور بر گرد کعبه طواف کرد، و هفت بار در میان صفا و مروه سعی نمود، سپس بر فراز کوه جودی استقرار یافت.

این روایت مرسل است. ازسوی دیگر، استناد شیخ صدوق به لفظ «روی» ناظر به مسند نبودن روایت است.

۷-۳. روایت هفتم

«أَبُو الْقَاسِمِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحَمِيرِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ الْجُعْفِيِّ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَقُلْتُ لَهُ إِنِّي أَشْتَأُقُّ إِلَى الْغُرَى فَقَالَ فَمَا شَوْقُكَ إِلَيْهِ فَقُلْتُ لَهُ إِنِّي أُحِبُّ أَنْ أَرُورَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فَقَالَ هَلْ تَعْرِفُ فَضْلَ زِيَارَتِهِ فَقُلْتُ لَا يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِلَّا أَنْ تُعَرِّفَنِي ذَلِكَ قَالَ إِذَا زُرْتَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فَاعْلَمْ أَنَّكَ زَائِرُ عِظَامِ آدَمَ وَبَدَنِ نُوحٍ وَجِسْمِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام فَقُلْتُ إِنَّ آدَمَ عليه السلام هَبَطَ بِسِرَانْدِيبٍ فِي مَطْلَعِ الشَّمْسِ وَرَعَمُوا أَنَّ عِظَامَهُ فِي بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ فَكَيْفَ صَارَتْ عِظَامُهُ بِالْكُوفَةِ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَوْحَى إِلَى نُوحٍ ع وَهُوَ فِي السَّفِينَةِ أَنْ يَطُوفَ بِالْبَيْتِ أُسْبُوعًا فَطَافَ بِالْبَيْتِ كَمَا أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِ ثُمَّ نَزَلَ فِي الْمَاءِ إِلَى رُكْبَتَيْهِ فَاسْتَخْرَجَ تَابُوتًا فِيهِ عِظَامُ آدَمَ فَحَمَلَهُ فِي جَوْفِ السَّفِينَةِ حَتَّى طَافَ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ يَطُوفَ ...» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶: ۲۲)؛

مفضل بن عمر می گوید: محضر امام صادق علیه السلام داخل شده عرض کردم: مایل و مشتاقم که به غری بروم. حضرت فرمودند: چه اشتیاقی به آن داری؟ عرض کردم: امیرالمؤمنین علیه السلام را دوست داشته و به زیارتش علاقه مند هستم. حضرت فرمودند: آیا فضیلت زیارت آن حضرت را می دانی؟ عرضه داشتم: خیر ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله، من را از آن آگاه و مطلع بفرمایید. حضرت فرمودند: هرگاه اراده زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام را نمودی بدان که در واقع استخوان های حضرت آدم علیه السلام و بدن نوح علیه السلام و جسم امیرالمؤمنین علیه السلام را زیارت می کنی. عرض کردم: حضرت آدم در سرندیب محل طلوع آفتاب هبوط نمود و عموم معتقدند استخوان هایش در بیت الله الحرام دفن شده پس چگونه می فرمایید در کوفه می باشد؟! حضرت فرمودند: خداوند متعال به حضرت نوح علیه السلام درحالی که در

کشتی بود و وحی فرمود که هفت بار طواف بیت نماید، آن جناب طبق آنچه به وی وحی شده بود طواف نمود، سپس از کشتی بیرون آمد و تا زانوهایش در آب فرورفت، تابوتی را که در آن استخوان‌های حضرت آدم بود، از آب بیرون آورده و آن را به داخل کشتی حمل فرمود و به دنبال آن مطابق خواسته حق تعالی دور بیت طواف نمود.

ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه و محمد بن عبدالله بن جعفر الحمیری ثقه هستند (طوسی، ۱۴۲۰ق: ۱۰۹؛ نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۵۴؛ حلی، ۱۴۰۲ق: ۱۵۷). نجاشی از عبدالله بن جعفر الحمیری با عنوان «شیخ القمیین و وجههم» (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۱۹) یاد می‌کند و شیخ طوسی او را ثقه می‌داند (طوسی، ۱۴۲۰ق: ۲۹۴) از محمد بن حسین بن ابی الخطاب با عناوینی چون بزرگ‌مرتبه، ثقه و عین یاد شده است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۳۴).

اما در خصوص محمد بن سنان باید گفت در میان بالغ بر ۷۹۷ روایت با همین نام ذکر شده است (خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۶: ۱۳۸). در خصوص جرح و تعدیل او آرای متضادی بدین شرح ذکر شده است:

الف: جارحین: نجاشی می‌گوید: او مرد جداً ضعیفی است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۲۸). ابن‌غضائری ضمن معرفی او به عنوان ضعیف و غالی وی را به جعل روایت متهم ساخته است (ابن‌غضائری، ۱۴۲۲ق: ۹۲). شیخ طوسی با استناد به نظر دیگران از او با عنوان «وقد طعن علیه، و ضعف» یاد می‌کند (طوسی، ۱۴۲۰ق: ۴۶۰). مجلسی اول تضعیف ابن‌سنان را به خود شیخ البته با تبعیت از دیگران نسبت می‌دهد (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۳: ۱۰) نیز از سوی کشتی، به دروغ‌گویی متهم شده است (کشتی، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۷۹۵).

ب: معدلین: علامه مجلسی در مرآة العقول ذیل روایتی که در زنجیره آن «ابن‌سنان» وجود دارد، ضمن تأمل در وثاقت محمد بن سنان روایات او را می‌پذیرد: «... لکن ضعف محمد محل تأمل، و الاظهر عندی قبول خبره» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۳: ۱۶). مجلسی اول او را مبرای از غلو دانسته و او را از اصحاب سر می‌داند (همو، ۱۴۰۶ق، ج ۱۴: ۲۹). او ادعا می‌کند که ابن‌سنان از سوی صدوقان توثیق شده است (همان). در میان معاصران، شبیری زنجانی او را توثیق کرده است (شبیری زنجانی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۴۲۹).

ج: جارحین و معدلین: شیخ مفید در جوابات اهل الموصل فی العدد والرویه ذیل روایت ماه رمضان سی روزه است و هرگز نقص نمی شود، که از محمد بن سنان نقل شده است می گوید: این حدیث شاذ و نادر است و اعتمادی بر آن نیست، طریقۀ محمد بن سنان، اصحاب در خصوص اتهام و ضعف او اختلافی ندارند (مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۱: ۲۰)؛ ولی در الارشاد می گوید: محمد بن سنان مورد اعتماد و اهل علم و تقوا و از فقهای شیعیان امام کاظم علیه السلام به شمار می رود (مفید، بی تا، ج ۲: ۲۴۰). شیخ طوسی در الفهرست او را به غلو متهم ساخته است (طوسی، ۱۴۲۰ق: ۴۰۶). ازسوی دیگر در الغیبه می گوید: امام جواد علیه السلام از محمد بن سنان به نیکی یاد و از او اعلام رضایت کرده است (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۳۴۸). علامه حلی در رجال خود درباره جرح و تعدیل او توقف کرده است (تقی الدین حلی، ۱۳۴۲: ۲۵۱) اما در مختلف الشیعه می گوید: در کتاب رجال، رجحان عمل به روایات محمد بن سنان را تبیین کردیم (حلی، ۱۴۱۹ق، ج ۷: ۸).

نظریه مختار نوشتار حاضر این است که جرح محمد بن سنان به دلایل ذیل ارجح است: اولاً شهید ثانی در مسالک الافهام در خصوص روایتی که در طریق آن محمد بن سنان وجود دارد می گوید: اکابر طائفه در نقد رجال همچون شیخ، نجاشی، ابن غضائری، فضل بن شاذان و کشی او را تضعیف کرده اند؛ باین حال عذری برای علامه در رجحان عمل به روایات محمد بن سنان باقی نمی ماند. علامه در رجال خود پس از نقل توثیق محمد بن سنان ازسوی شیخ مفید، درباره وثاقت او توقف کرده است! دلیل برای توقف وجود ندارد، زیرا در هنگام تساوی جارحین و معدلین، جارحین مقدم هستند (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۷: ۲۱۸) چه رسد به اینکه تعداد جارحین بیشتر باشد.

ثانیاً جرح ابن غضائری، نجاشی، کشی و فضل بن شاذان واضح است، ولی جرح و تعدیل هم زمان شیخ طوسی و شیخ مفید قابل تفکیک نیست و نمی توان از آن وثاقت او را استنتاج کرد. بنابراین «تضعیف نجاشی و ابن غضائری واضح است و تضعیف و توثیق او از سوی شیخ طوسی و شیخ مفید صریح در تضعیف نیست ازاین رو از باب تقدم نص بر ظاهر مقدم است» (ایزدی فرد و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۲۸-۱۵۸).

ثالثاً اگر جایگاه نجاشی در علم رجال و غلبه آرای او بر دیگران در هنگام تعارض ادله جرح و تعدیل را اضافه کنیم، کفه جرح او سنگین تر خواهد بود (مازندرانی، ۱۳۷۴، ج ۴، رقم ۱۶۱۸؛ دیاری بیدگلی، ۱۳۸۴: ۲۱۳). از همین روی ترجیح توثیق مبتنی بر حدس و اجتهاد متأخران و معاصران بر جرح مبتنی بر حس و شهادت اعلام متقدمین میسر نخواهد بود.

۳-۸. روایت هشتم

«حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ أَبِي عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيِّ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ وَحَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحَمِيرِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ قَالَ حَدَّثَنِي ابْنُ سِنَانٍ قَالَ حَدَّثَنِي الْمُفَضَّلُ بْنُ عُمَرَ» (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۳۸). متن روایات هشتم و هفتم مشترک است.

سند این روایت در بحار این گونه است: «الْكَلْبِيُّ عَنْ أَبِي عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيِّ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ وَحَدَّثَنِي مُحَمَّدُ الْحَمِيرِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۷: ۲۵۸).

طریق اول: محمد بن یعقوب جلیل القدر (طوسی، ۱۳۷۳: ۴۳۹) است. نجاشی می گوید: شیخ اصحاب ما و وجه آن‌ها در زمان خود در شهر ری بود، موثق‌ترین و اثبات‌مردم در حدیث بود (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۷۷). شیخ طوسی و نجاشی ضمن توثیق ابوعلی اشعری از او به بزرگی و شأن منزلت یاد کرده‌اند (طوسی، ۱۳۷۳: ۴۱۱؛ نجاشی، ۱۳۶۵: ۹۲)؛ اما طریق ابوعلی اشعری به «عمن ذکره» مشخص نیست. طبق بررسی صورت گرفته در روایت هفتم، جرح محمد بن سنان ارجح است.

طریق دوم: با توجه به بررسی روایت هفتم: حمیری (پسر)، حمیری (پدر) و محمد بن حسین بن ابی الخطاب ثقة هستند، و طبق بررسی صورت گرفته در روایت سوم جرح مفضل بن عمر و طبق روایت هفتم، جرح محمد بن سنان ارجح است.

شایان ذکر است در طریق اول ابن قولویه حدیث را از طریق محمد بن یعقوب از ابوعلی اشعری از ... از محمد بن سنان نقل می‌کند. با جست‌وجویی که انجام شد، ردی از این روایت در کتاب کافی یافت نشد.

۳-۹. روایت نهم

«عَنْ ابْنِ عِيسَى عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ سَمِعْتُ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ يَحَدِّثُ عَطَا قَالَ: كَانَ طُولُ سَفِينَةِ نُوحٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَلْفًا وَمِائَتِي ذِرَاعٍ وَكَانَ عَرْضُهَا ثَمَانِمِائَةَ ذِرَاعٍ وَعُمُقُهَا ثَمَانِينَ ذِرَاعًا فَطَافَتْ بِالْبَيْتِ وَسَعَتْ بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ سَبْعَةَ أَشْوَاطٍ ثُمَّ اسْتَوَتْ عَلَى الْجُودَى» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۱: ۳۲۴)؛ امام باقر علیه السلام با عطا سخن می گفت، شنیدم که حضرت فرمود: طول کشتی نوح علیه السلام هزار و دویست ذراع، عرض آن هشتصد ذراع و ارتفاع آن دویست ذراع بود، کشتی بر دور کعبه طواف کرد و هفت بار در میان صفا و مروه سعی نمود، سپس بر فراز کوه جودی استقرار یافت. این روایت در قصص الانبیاء راوندی با این سند نقل شده است: «أَحْمَدُ بْنُ عِيسَى حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مَحْبُوبٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ» (راوندی، ۱۴۰۹ق: ۸۲).

مراد از ابن عیسی در این روایت همان احمد بن عیسی است؛ چون روایت فوق در قصص الانبیاء راوندی با احمد بن عیسی شروع می شود که شاید نشانگر روش علامه مجلسی در ذکر نام اوست (همان). نجاشی از احمد بن عیسی با عنوان «شیخ القمیین، و وجههم، و فقیههم» (نجاشی، ۱۳۶۵: ۸۲) یاد کرده است و در بین رجال شناسان در خصوص وثاقت او اتفاق نظر وجود دارد (طوسی، ۱۴۲۰ق: ۶۰؛ حلی، ۱۴۰۲ق: ۱۳؛ شوشتری، ۱۴۱۰ق، ج ۱: ۶۳۲). براساس بررسی صورت گرفته در روایت اول، وثاقت حسن بن محبوب و عدم وثاقت حسن بن صالح مشخص شد.

۴. بررسی دلایلی روایات

روایات مطرح شده از لحاظ درون متنی دچار تعارضات ذیل هستند:

۴-۱. کمیت کشتی

در خصوص کمیت کشتی نوح در بین روایات مورد نظر اختلافاتی به شرح ذیل وجود دارد:

روایت	منبع	طول	عرض	ارتفاع
اول	کافی	۱۲۰۰ ذراع	۸۰۰ ذراع	۲۰۰ ذراع
دوم	کافی	۱۲۰۰ ذراع	۸۰۰ ذراع	۸۰ ذراع
ششم	الفقیه	۱۲۰۰ ذراع	۱۰۰ ذراع	۸۰ ذراع
نهم	بحار الانوار	۱۲۰۰ ذراع	۸۰۰ ذراع	۸۰ ذراع
دهم	قصص الانبیاء	۱۲۰۰ ذراع	۸۰۰ ذراع	۸۰ ذراع

۴-۲. محل فرود کشتی

در روایت‌های اول، دوم، چهارم، ششم، هفتم، هشتم و نهم محل فرود کشتی، کوه جودی بدون هیچ‌گونه قرینه‌ای آمده، اما در روایت سوم محل فرود کشتی، فرات کوفه معرفی شده است: «ثُمَّ اسْتَوَتْ عَلَى الْجُودَى وَ هُوَ فُرَاتُ الْكُوفَةِ.» و در روایت پنجم محل فرود کشتی، کوه جودی با قید «وَهُوَ جَبَلٌ عِنْدَكُمْ» آمده است؛ از آنجاکه ابوبصیر اهل کوفه بوده ناظر به این است که جودی نزدیک کوفه است. در قرآن محل فرود کشتی نوح علیه السلام کوه جودی معرفی شده است. اینکه کوه مد نظر در چه مکانی قرار دارد، بین اندیشمندان اختلاف است؛ اما می‌توان حدود و ثغور آن را در مناطق شمالی عراق که هم‌مرز با شام هستند تعیین کرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۹: ۱۰۹).

۴-۳. عمق آب

حرکت کشتی‌های بزرگ جز در آب‌های عمیق امکان‌پذیر نیست. با توجه به اعداد و ارقامی که در خصوص کشتی ذکر شده است، قاعدتاً این کشتی برای حرکت نیاز به آبی با عمق بالا دارد. در روایت پنجم، نوح علیه السلام از کشتی خارج شده و تا زانو در آب فرومی‌رود و سپس تابوتی را که در آن استخوان‌های حضرت آدم بود از آب بیرون آورده و به داخل کشتی حمل می‌کند: «...ثُمَّ نَزَلَ فِي الْمَاءِ إِلَى رُكْبَتَيْهِ فَاسْتَخْرَجَ تَابُوتًا فِيهِ عِظَامُ آدَمَ علیه السلام فَحَمَلَهُ فِي جَوْفِ السَّفِينَةِ...» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۶: ۲۲). این یعنی عمق آبی که نوح علیه السلام وارد آن شده تا زانوی ایشان بوده! چگونه امکان دارد کشتی با آن مقیاس بزرگ در عمقی این‌چنین کم، قابلیت حرکت داشته باشد؟

۴-۴. طواف کشتی

در خصوص مسئله طواف کشتی باید گفت:

اولاً حج و اعمال مخصوص به آن، مختص موجود صاحب اراده و شعور است: «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ» (آل عمران: ۹۷). در این آیه انجام دادن حج منوط به استطاعت است و در صورت وجود این شرط، استتکاف از آن مستلزم کفر خواهد بود. در روایات ذکر شده گویا کشتی موجودی فرض شده است که برخی از اعمال خاص حج همچون طواف نساء را انجام داده و حتی در موسم منا در منا حضور داشته

است. البته این موضوع با این اوصاف در زمره موضوع تسبیح همه موجودات که در قرآن (اسراء: ۴۴) به آن اشاره شده است قرار نمی گیرد.

ثانیاً ازسوی دیگر در برخی از روایات به مسئله بردن کعبه به آسمان در هنگام طوفان اشاره شده که با مسئله طواف ناسازگار است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۶: ۴۷).

ثالثاً اخبار نقل شده درخصوص طواف کشتی نوح و بردن کعبه به آسمان با منابع اهل سنت اشتراکات زیادی دارند؛ به گونه ای که در منابع بسیار زیادی اخبار مربوط به طوفان نوح علیه السلام از جمله بردن کعبه به آسمان و طواف کشتی نقل شده است (ابن اسحاق، ۱۹۷۸: ۹۶؛ ازرقی، ۱۴۳۱ق، ج ۱: ۶۳؛ طبری، بی تا، ج ۱: ۵۳؛ بغوی، ۱۴۲۰ق، ج ۳: ۳۳۴؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۷: ۴۲۱؛ سیوطی، ۱۴۳۱ق، ج ۱: ۳۰۸).

ابوشهبه در کتاب الإسرائیلیات والموضوعات فی کتب التفسیر در بخشی با عنوان «الإسرائیلیات فی بناء الکعبة؛ البیت الحرام والحجر الأسود» برخی از روایات پیرامون این مسئله را ناشی از ورود اسرائیلیات به کتب تفسیر می داند (ابوشهبه، ۱۴۳۱ق: ۱۶۸).

۴-۵. منطقه ای یا جهانی بودن طوفان

همان طور که گفته شد، حادثه طوفان امری قطعی بین ادیان و اقوام است؛ البته آنچه محل اختلاف است نحوه وقوع این پیشامد است؟ از جمله اختلافات مهم در این خصوص، مسئله جهانی یا منطقه ای بودن طوفان است. عده ای با استناد به ظاهر برخی آیات و آنچه در تورات گفته شده، جهانی بودن طوفان را اختیار کرده اند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۰: ۳۴۶). برخی دیگر با استناد به موازین عقلی و نقلی و یافته های باستان شناسی به منطقه ای بودن طوفان اذعان دارند (معرفت، ۱۳۹۲: ۵۲) و حتی برخی گفته اند: این احتمال که طوفان نوح علیه السلام مربوط به منطقه ای خاص بوده است و نه همه عالم، قوی تر از احتمالات دیگر است و با شواهد حال سازگارتر است (رشیدرضا، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲: ۱۰۶-۱۰۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۹: ۱۰۳).

آثار و شواهد به جای مانده از طوفان بزرگ توسط لئونارد وولی در سال ۱۹۲۰ در مکانی به نام «تل العبد» کشف شد. وی با یافتن لایه ای ضخیم از گل ولای در طبقات پایین محل حفاری نظر داد که این خاک پس از ایجاد گردوغباری به صورت طوفان با ابرها آمیخته شده و به همراه باران

سیل آسا به زمین بازگشته؛ وی همچنین گفت تردیدی نمی توان داشت که این سیل، همان سیلی است که به نام طوفان نوح علیه السلام در سفر پیدایش تورات مضبوط است و در افسانه های سومری نیز منعکس شده است (رهبر، ۱۳۸۹: ۲۶۵). در باور هنری هوک طوفان در منطقه دجله و فرات عراق رخ داده است (همان). عبدالرزاق الراوی نیز بر این باور است که علی الارجح طوفان در منطقه دجله فرات از عراق قدیم رخ داده است (عبدالرزاق، ۲۰۱۱: ۵۳). همچنین از نظر باستان شناسان مساحت طوفان در حدود ۴۰۰ مایل طول (۶۵۰ کیلومتر) و ۱۰۰ مایل عرض (۱۵۰ کیلومتر) بوده است (بی آزار شیرازی، ۱۳۸۹: ۴۰-۴۱).

با این اوصاف و با توجه به اینکه فاصله مکه تا محل طوفان در عراق بیش از هزار کیلومتر است، امکان اینکه مکه درگیر طوفان شده باشد درخور تأمل است.

۵. نتیجه گیری

گزینش روایات در دو ساحت سند و متن از وظایف دانش های رجال (به همراه درایة الحدیث) و فقه الحدیث به شمار می آید. از رهاورد این علوم ما می توانیم ضمن امکان شناخت احوال ناقلان احادیث، شرایط نقد سند را فراهم و ازسوی دیگر مقاصد روایات را مشخص کنیم. طوفان نوح علیه السلام به عنوان یکی از موضوعات مشترک میان منابع قدیم و جدید حقیقتی انکارناپذیر است. این داستان در افسانه ها و اساطیر اقوام و ملل مختلف جهان نیز از جایگاه خاصی برخوردار بوده است. با این حال، درباره ماهیت و جزئیات این حادثه اخبار متضادی وجود دارد. در قرآن به داستان بعثت نوح علیه السلام، نپذیرفتن دعوت او از سمت اکثریت قومش و پیشامد طوفان اشاره شده است. در منابع روایی فریقین موضوعات بعثت، دعوت و طوفان نوح علیه السلام به شکل گسترده و همراه با ذکر جزئیات بیشتری مطرح شده است. از مسائل قابل توجه در این احادیث، مسئله طوفان کشتی نوح علیه السلام بر دور کعبه است. در روایات بررسی شده، به رغم حضور افراد ثقه و قابل اعتماد، افراد ضعیف و مجهول الحالی در زنجیره سند روایت وجود دارد که باعث تضعیف آن شده است. همچنین اسناد برخی از این روایات با وجود داشتن سند بعضاً معتبر از نوع مرسل و مرفوع هستند. از لحاظ متنی روایات مذکور دچار تعارضات درونی و بیرونی هستند. برای مثال درخصوص کمیت کشتی، محل فرود آن در بین روایات اتفاق نظر وجود ندارد. ازسوی دیگر با

در نظر گرفتن موازین عقلی، نقلی و یافته‌های باستان‌شناسی منطقه‌ای بودن طوفان نمود بیشتری دارد. بنابراین با توجه به اینکه محل طوفان در دجله و فرات و محل فرود کشتی مناطق شمالی عراق ذکر شده است، درگیر شدن مناطقی چون مکه که فاصله زیادی از محل طوفان دارند تأمل برانگیز است.

پی‌نوشت‌ها

۱. اگر بتریه یک صف متحد از مشرق تا مغرب باشند، خداوند دین را به وسیله ایشان عزت ندهد (کشی، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۴۹۹).

۲. بتریه طایفه‌ای از زبیده‌اند که مقدم داشتن مفضل بر فاضل را جایز می‌شمارند، و می‌گویند: ابوبکر و عمر دو امام‌اند، اگرچه امت در بیعت با ایشان در صورت وجود علی علیه السلام خطا کرده‌اند، این خطایی است که به درجه فسق نرسیده است. و این طایفه درباره عثمان توقف کرده و به ولایت علی علیه السلام دعوت نموده‌اند، و این فرقه خروج با فرزندان علی علیه السلام را واجب می‌شمارند، و آن را از باب امر به معروف و نهی از منکر می‌دانند، و امامت را برای هر يك از اولاد علی علیه السلام که با شمشیر خروج کند اثبات می‌کنند. و اینان اصحاب کثیر نواء، و حسن بن صالح بن حی، و سالم بن ابی حفصه، و حکم بن عتیبه، و سلمة بن کهیل ابویحیی الحضرمی، و ابومقدم ثابت بن هرمز حدادند (ابن بابویه، ۱۳۶۳، ج ۴: ۵۴۴).

3. cgie.org.ir

منابع

قرآن کریم.

ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۱۳ق). من لایحضره الفقیه. مصحح: علی اکبر غفاری. ج ۲. قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.

ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۷۸ق). عیون أخبار الرضا علیه السلام. مصحح: علی اکبر غفاری. ج ۱. تهران: نشر جهان.
ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۶۳ش). من لایحضره الفقیه. قم: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم. مؤسسة النشر الإسلامي.

ابن غضائری، احمد بن حسین. (۱۴۲۲ق). الرجال. ج ۱. قم: مؤسسه علمی و فرهنگی دارالحديث، سازمان چاپ و نشر.

ابن قولویه، جعفر بن محمد. (۱۳۵۶ق). کامل الزیارات. ج ۱. نجف اشرف: دارالمرتضویه، ۱۳۵۶.

ابن ندیم، محمد بن اسحاق. (بی‌تا). الفهرست. ج ۱. لبنان: دارالمعرفة.

بررسی سندی و دلالتی روایات طواف کشتی نوح علیه السلام، ابراهیم ابراهیمی و فریدون رضائی ۱۶۱

ابن شهر آشوب، محمد بن علی. (۱۳۸۰ق). معالم العلماء فی فهرست کتب الشیعة و أسماء المصنفین منهم قدیما و حدیثا. ج ۱. نجف اشرف: المطبعة الحیدریة.

ابن عساکر، أبو القاسم علی بن الحسن. (۱۴۱۵ق). تاریخ مدینة دمشق. بیروت: دارالفکر للطباعة والنشر والتوزیع.

ابوشهبه، محمد بن محمد بن سولیم. (۱۴۳۱ق). الإسرائیلیات والموضوعات فی کتب التفسیر. ج ۴. بی جا: مکتبة السنة.

اردبیلی، محمد بن علی. (۱۴۰۳ق). جامع الرواة و اذاحة الاشتباهات عن الطرق و الأسناد. ج ۱. لبنان: دارالأضواء. ازرقی، أبو الولید محمد بن عبدالله. (بی تا). أخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار. بیروت: دار الأندلس للنشر.

اسحاق، محمد. (۱۹۷۸ق). سیرة سهیل زکار. ج ۱. بیروت: دارالفکر.

ایزدی فرد، علی اکبر و همکاران. (۱۳۹۶ش). وثائق محمد بن سنان در ترازوی نقد و بررسی. فصلنامه علوم روایت، ۲۲(۸۴)، ۱۵۸-۱۲۸.

برقی، احمد بن محمد. (۱۳۴۲ش). الرجال. ج ۱. تهران: دانشگاه تهران.

بسام، مرتضی. (۱۴۲۲ق). زبدة المقال من معجم الرجال. ج ۱. بیروت: دارالمحجة البيضاء.

بغوی، أبو محمد الحسین بن مسعود. (۱۴۲۰ق). تفسیر البغوی. ج ۱. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

بی آزار شیرازی، عبدالکریم. (۱۳۸۹ش). کشف کشتی نوح در جودی. تحقیقات علوم قرآن و حدیث، شماره ۱۳، ۳۳-۱۹.

پاکتچی، احمد. (بی تا)، دایرة المعارف قرآن کریم (مدخل ابوبصیر). cgie.org.ir.

پروین، جلیل و همکاران. (۱۳۹۷ش). تحلیل تطبیقی طوفان نوح در تورات و قرآن. پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن. شماره ۱۳، ۷۴-۵۹.

تقی الدین حلی، حسن بن علی. (۱۳۴۲). الرجال. ج ۱. تهران: دانشگاه تهران.

جلالی شیجانی، جمشید. (۱۳۹۷). طوفان نوح در اسطوره‌های سومری و بابلی و مقایسه آن با تورات و قرآن. مجله معرفت. شماره ۲۴۹، ۴۷-۳۹.

حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعة. ج ۱. قم: مؤسسة آل البيت علیه السلام.

حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۲۷ق). الرجال. ج ۱. قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحديث.

حسینی، سیدحسن. (۱۳۷۹). طوفان نوح در اساطیر بین‌النهرین و تورات. مجله هفت آسمان، شماره ۶، ۱۶۵-۱۸۲.

حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۹ق). مختلف الشیعة. ج ۱. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.

حلی، حسن بن یوسف. (۱۳۸۱ش). ترتیب خلاصة الأقوال فی معرفة الرجال. ج ۱. مشهد: آستان قدس رضوی.

حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۰۲ق). الرجال. ج ۲. قم: الشریف الرضی.

۱۶۲ □ دو فصلنامه حدیث پژوهی، سال هفدهم، شماره سی و سوم، بهار و تابستان ۱۴۰۴، ص ۱۴۱-۱۷۰

- حلی، حسن بن علی. (۱۳۴۲ش). الرجال (ابن داود و البرقي). تهران: دانشگاه تهران.
- خواجهی، اسماعیل بن محمد حسین. (۱۴۱۳)، الفوائد الرجالية. ج ۱. مشهد: آستانة الرضوية المقدسة.
- خوبی، ابوالقاسم. (۱۴۱۳ق). معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة. ج ۵. بی جا: بی نا.
- دیاری بیدگلی، محمدتقی. (۱۳۸۴ش). داوری در باب تعارض آرای نجاشی و دیگر رجال شناسان متقدم شیعه.
- فصلنامه علمی - تخصصی علوم روایت. شماره ۳۵-۳۶، ۲۱۱-۲۳۷.
- راوندی، سعید بن هبة الله. (۱۴۰۹ق). قصص الأنبياء. ج ۱. مشهد: مرکز پژوهش های اسلامی.
- رضا، محمد رشید. (۱۴۱۴ق). المنار. ج ۱. بیروت: دارالمعرفة.
- رهبر، حمید. (۱۳۸۹ش). بررسی تطبیقی روایت و حیانی قرآن و روایت اسطوره ای سومری - بابلی از طوفان.
- پژوهش های فلسفی - کلامی، شماره ۸، ۲۶۱-۲۸۴.
- سحابی، یدالله. (۱۳۴۹). طوفان نوح از نظر تورات و قرآن مجید. درس هایی از مکتب اسلام، ۲۲-۳۰.
- سیوطی، عبد الرحمن بن أبی بکر. (۱۴۳۱ق). الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور. بیروت: دارالفکر.
- شیری زنجانی، موسی. (۱۳۸۶ش). کتاب نکاح. قم: مؤسسه پژوهشی رأی پرداز.
- شوشتری، محمد تقی. (۱۴۱۰ق). قاموس الرجال. ج ۲. قم: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية بقم.
- طباطبایی، محمد حسین. (۱۳۷۴ش). المیزان. ج ۵. قم: جامعه مدرسين حوزة علمیه قم.
- طبری، محمد بن جریر. (بی تا). جامع البیان عن تأویل آی القرآن. مکه: دارالتربية و التراث.
- طوسی، محمد بن الحسن. (۱۴۱۱ق). الغيبة. ج ۱. قم: دارالمعارف الإسلامية.
- طوسی، محمد بن الحسن. (۱۴۰۷ق). تهذیب الأحکام. ج ۴. تهران: دارالکتب الإسلامية.
- طوسی، محمد بن الحسن. (۱۳۷۳ش). رجال الطوسی. ج ۳. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- طوسی، محمد بن الحسن. (۱۴۲۰ق). فهرست کتب الشيعة و أصولهم و أسماء المصنفين و أصحاب الأصول.
- ج ۱. قم: مکتبة المحقق الطباطبائي.
- شهیدثانی، زین الدین بن علی. (۱۴۱۳ق). مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام. قم: مؤسسه المعارف الإسلامية.
- عبدالرزاق الراوی، عبد الوهاب. (۲۰۱۱م). طوفان نوح بین الاساطير و الآثار و القرآن. دمشق: دارسعدالدين.
- کشی، محمد بن عمر. (۱۴۰۴ق). اختیار معرفة الرجال. ج ۲. قم: مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث.
- کلباسی، محمد بن محمد ابراهیم. (۱۳۸۰). الرسائل الرجالية. قم: مؤسسه علمی فرهنگي دارالحديث.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی. ج ۱. تهران: الإسلامية.
- مازندرانی حائری، محمد بن اسماعیل. (۱۳۷۴ش). منتهی المقال فی أحوال الرجال. ج ۱. قم: مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث.
- مافقانی، عبدالله. (۱۴۳۱ق). تنقيح المقال فی علم الرجال. ج ۱. قم: مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث.

بررسی سندی و دلالتی روایات طواف کشتی نوح علیه السلام، ابراهیم ابراهیمی و فریدون رضائی ۱۶۳

- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار. ج ۲. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۴ق). مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول. ج ۲. تهران: دارالکتب الإسلامية.
- مجلسی، محمدتقی. (۱۴۰۶ق). روضة المتقين فی شرح من لا یحضره الفقیه. ج ۲. قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور.
- معارف، مجید. (۱۳۸۷ش). شناخت حدیث. ج ۲. تهران: دانشگاه تهران.
- معرفت، محمدهادی. (۱۳۹۲ش). نقد شبهات پیرامون قرآن کریم. قم: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید.
- مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ق). جوابات اهل الموصول فی العدد والرؤية. ج ۱. قم: المؤتمر العالمی لألفية الشيخ.
- مفید، محمد بن محمد. (بی تا). الإرشاد. ج ۲. تهران: بی نا.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱ش). تفسیر نمونه. ج ۱۰. تهران: انتشارات دار الکتب الإسلامية.
- نجاشی، احمد بن علی. (۱۳۶۵ش). الرجال. ج ۶. قم: مؤسسه النشر الإسلامي.
- نرم افزار درایة النور مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور.
- همامی، عباس. (۱۳۸۵). بررسی تطبیقی داستان نوح تا شروع طوفان در قرآن و سفر پیدایش. پژوهش دینی، شماره ۱۳، ۵۱-۶۰.

References

The Holy Quran.

- Abd al-Razzaq al-Rawi, A.W. (2011). Tufan Nuh bayn al-Asatir wa al-Athar wa al-Quran. Damascus: Dar Sa'd al-Din. [in Arabic]
- Abu Shihbah, M.M. (2010). *Al-Isrā'iliyyat wa al-Mawdu'at fi Kutub al-Tafseer*, 4th ed. Undated: Library of the Sunnah. [in Arabic]
- Ardabili, M. A. (1982). *Jami al-Ruwat wa Izahat al-Ishbatat 'an al-Turuq wa al-Asnad*. Vol. 1. Lebanon: Dar al-Adhwa. [in Arabic]
- Azraqi, A.W. *Akhbār Makkah wa ma Jaa fiha min al-Athar*. Undated: Dar al-Andalus Publishing. [in Arabic]
- Baghawi, A. M. (1999). *Tafseer al-Baghawi*. Vol. 1. Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-Arabi. [in Arabic]
- Barqi, A.M. (1963). *Al-Rijāl*. Vol. 1. Tehran: University of Tehran. [in Arabic]
- Bassam, M. (2001). *Zubdat al-Maqal min Mu'jam al-Rijāl*. Vol. 1. Beirut: Dar al-Mahaja al-Bayda. [in Arabic]

- Bi-Azar Shirazi, A.K. (2010). *Kashf Kashti Nuh fi Joodi. Tahqiqat Uloum Quran wa Hadith*, Issue 13, pp. 19-33. [in Persian]
- Diari Bidgoli, M.T. (2005). *Dawari fi Bab Tà arud Aray-e-Najāshī wa Digar Rijāl-Shināsan Muqaddam Shi ah. Faslnameh Oloum Riwayat*, Vol. 35-36, Spring and Summer, pp. 211-237. [in Persian]
- Harr Amali, M.H. (1988). *Wasā il al-Shi ah*. Vol. 1. Qom: Foundation of Ahl al-Bayt. [in Arabic]
- Harr Amali, M.H. (2006). *Al-Rijāl*. Vol. 1. Qom: Dar al-Hadith Scientific Cultural Foundation. [in Arabic]
- Hemmami, A. (2006). Borsesi-e-Tafbiqi Dastan-e-Nuh (a.s) ta Shoru' Tufan dar Quran va Safar-e-Pidish. Pazhoohesh-e-Dini. Issue 13, pp. 51-60. [in Persian]
- Hilli, H. Y. (2002). *Tartib Khulasat al-Aqwal fi Mā rifat al-Rijāl*. Vol. 1. Mashhad: Astan Quds Razavi. [in Arabic]
- Hilli, H. Y. (1982). *Al-Rijāl*. Vol. 2. Qom: Al-Sharif al-Radi. [in Arabic]
- Hilli, H. Y. (1998). *Mukhatalif al-Shi ah*. Vol. 1. Qom: Institute of Islamic Publishing. [in Arabic]
- Hilli, H. A. (1963). *Al-Rijāl (Ibn Dawood wa al-Burq)*. Tehran: University of Tehran. [in Arabic]
- Hosseini, S.H. (2000). *Tufan Nuh fi Asatir-e-Between al-Nahrayn wa Torah. Majallah Haft Asman*, Issue 6, pp. 165-182. in Persian]
- Ibn Asakir, A. H. (1994). *Tarikh Madinat Dimashq*. Beirut: Dar al-Fikr. [in Arabic]
- Ibn Babawayh, M. A. (1959). *Uyoon Akhbār al-Ridha (as)*. Edited by Ali Akbar Ghafari. Vol. 1. Tehran: World Publishing. [in Arabic]
- Ibn Babawayh, M. A. (1984). *Man La Yahduru al-Faqih*. Qom: Group of Teachers in Qom Seminary. Islamic Publishing Foundation. [in Arabic]
- Ibn Babawayh, M. A. (1992). *Man La Yahduru al-Faqih*. Edited by Ali Akbar Ghafari. Vol. 2. Qom: Islamic Publications related to the Society of Seminary Teachers of Qom. [in Arabic]
- Ibn Ghazari, A. H. (2001). *Al-Rijāl*. Vol. 1. Qom: Dar al-Hidayah, Scientific and Cultural Foundation. [in Arabic]
- Ibn Nadim, M.I. (Undated). *Al-Fihrist*. Vol. 1. Lebanon: Dar al-Ma'rifah. [in Arabic]

- Ibn Qulawayh, J.M. (1937). *Kamil al-Ziyarat*. Vol. 1. Najaf Ashraf: Dar al-Murtadhawi. [in Arabic]
- Ibn Shahra Ashub, M. A. (1960). *Mā lam al-` Ulama fī Faharist Kutub al-Shi'ah wa Asma' al-Mu'assifin Minhum Qadeemam wa Hadeethan*, Vol. 1. Najaf Ashraf: Al-Haydariyah Press. [in Arabic]
- Ṭisāq, M. Sirah, Suhail Zakar. (1978). Vol. 1. Beirut: Dar al-Fikr. [in Arabic]
- Izadi Fard, A. (2017). *Wathaqqat Muḥammad ibn Sinan fī Tarazuwi Naqd wa Barrasi. Faslnameh Oloum Riwayat*, Vol. 22, Issue 84, pp. 128–158. [in Persian]
- Jalali Shijani, J. (2018). *Tufan Nuh fī Asatir-e-Sumari wa Babili wa Muqayisih an ba Torah wa Quran. Majallah Mā arifat*, Issue 249, pp. 39–47. [in Persian]
- Kalbasi, M.M. (2001). *Al-Rasa'il al-Rijāliyah*. Qom: Dar al-Ḥadith Scientific Cultural Foundation. [in Arabic]
- Kashi, M.U. (1983). *Ikhtiyar Ma'rifat al-Rijāl*. Vol. 2. Qom: Ahl al-Bayt (as) Institute for Reviving Heritage. [in Arabic]
- Khajavi, I.M. (1992). *Al-Fawa'id al-Rijāliyah*. Vol. 1. Mashhad: Astan Quds Razavi. [in Arabic]
- Khui, A.Q. (1992). *Mu'jam Rijāl al-Ḥadith wa Tafseel Tabaqat al-Ruwat*. Vol. 5. Undated. [in Arabic]
- Kulayni, M.Y. (1986). *Al-Kāfī*. Vol. 1. Tehran: Al-Islamiyah Publishing. [in Arabic]
- Ma'arif, M. (2008). *Shenakht Ḥadith*. Vol. 2. Tehran: University of Tehran. [in Persian]
- Majlisi, M. B. (1982). *Bihar al-Anwar*. Vol. 2. Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-Arabi. [in Arabic]
- Majlisi, M. B. (1983). *Mir'at al-'Uqul fī Sharh Akhbār Aal al-Rasul*. Vol. 2. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyah. [in Arabic]
- Majlisi, M. T. (1985). *Rawdat al-Muttaqin fī Sharh Man La Yahduruhu al-Faqih*. Vol. 2. Qom: Islamic Cultural Foundation Koushanbour. [in Arabic]
- Makarem Shirazi, N. (1992). *Tafseer al-Namunah*. Vol. 10. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyah. [in Persian]
- Maqnan, A. (2010). *Tanqih al-Maqal fī Ilm al-Rijāl*. Vol. 1. Qom: Ahl al-Bayt (as) Institute for Reviving Heritage. [in Arabic]

- Ma'rifat, M. H. (2013). Naqd Shubahat Piramun Quran al-Karim. Qom: Tamheed Publishing and Cultural Institute. [in Persian]
- Mazandarani Ha'iri, M.I. (1995). Muntaha al-Maqal fi Ahwal al-Rijāl. Vol. 1. Qom: Ahl al-Bayt (as) Institute for Reviving Heritage. [in Arabic]
- Mufid, M.M. (1992). Jawabat Ahl al-Mosul fi al-'Adad wa al-Ru'ya. Vol. 1. Qom: World Conference of the Millenary of Sheikh al-Ṭūsī. [in Arabic]
- Mufid, M.M. (Undated). Al-Irshad. Vol. 2. Tehran: Undated. [in Arabic]
- Najāshī, A.A. (1986). Al-Rijāl. Vol. 6. Qom: Islamic Publishing Foundation. [in Arabic]
- Noor Software, Dirayat al-Noor Center for Islamic Computerized Research.
- Pakatchi, Ahmad. (Undated). *Dā'irat al-Ma'arif al-Qur'an al-Karim (Madalil Abubasir)*. [Accessed online at cgie.org.ir]. [in Persian]
- Parvin, J. (2018). *Tahlil Tabiqi Tufan Nuh fi Torah wa Quran. Pazhooheshnameh Tafseer wa Zaban Quran*, Issue 13, pp. 59-74. [in Persian]
- Rahbar, H. (2010). Borsesi-e-Tafbiqi Rawayat Wahyani Quran wa Rawayat Asatir-i-Sumari-Babili az Tufan. Pazhoohesh-haye Falsafi-Kalami. Issue 8, Summer, pp. 261-284. [in Persian]
- Rawandi, S.H. (1988). *Qasas al-Anbiya*. Vol. 1. Mashhad: Center for Islamic Research. [in Arabic]
- Reza, M.R. (1993). *Al-Manar*. Vol. 1. Beirut: Dar al-Ma'arifah. [in Arabic]
- Sahabi, Y. (1970). Tufan Nuh az Nazar-e-Torah wa Quran Majid. Dars-ha-ye az Maktab Islam. pp. 22-30. [in Persian]
- Shabiri Zanjani, M. (2007). Kitab Nikah. Qom: Research Institute Ray Pardaz. [in Persian]
- Shahid Thani, Z.A. (1992). Masalik al-Afham ila Tanqih Sharai' al-Islam. Qom: Ma'aref Islamic Foundation. [in Arabic]
- Shushtari, M. T. (1989). Qamus al-Rijāl. Vol. 2. Qom: Group of Teachers in Qom Seminary. [in Arabic]
- Suyuti, A.R. (2010). Al-Durr al-Manthur fi al-Tafseer bi al-Mathoor. Beirut: Dar al-Fikr. [in Arabic]
- Tabari, M.J. (Undated). Jami' al-Bayan 'an Ta'wil Ayat al-Quran. Mecca: Dar al-Tarbiyah wa al-Turath. [in Arabic]

- Tabatabai, M. H. (1995). *Al-Mizan*. Vol. 5. Qom: Society of Seminary Teachers of Qom. [in Arabic]
- Taqi al-Din Hilli, H.A. (1963). *Al-Rijāl*. Vol. 1. Tehran: University of Tehran. [in Arabic]
- Ṭūsī, M.H. (1986). *Tahdhib al-Ahkam*. Vol. 4. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyah. [in Arabic]
- Ṭūsī, M.H. (1990). *Al-Ghaybah*. Vol. 1. Qom: Dar al-Ma'arif al-Islamiyah. [in Arabic]
- Ṭūsī, M.H. (1994). *Rijāl al-Ṭūsī*. Vol. 3. Qom: Islamic Publishing Foundation. [in Arabic]
- Ṭūsī, M.H. (1999). *Fihrist Kutub al-Shi'a wa Usulihum wa Asma' al-Mu'assifin wa As'hab al-Usul*. Vol. 1. Qom: Maktabat al-Muhaqqiq al-Tabatabai. [in Arabic]

Examining the Isnad and significance of the circumambulation (ṭawāf) of Noah's ark

Ebrahim Ebrahimi

Professor of Quran and Ḥadith Sciences, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran.
(Corresponding Author). Email: ebrahimi978@atu.ac.ir

Fereiduon Rezaei

PhD student of Quran and Ḥadith, Arak University, Arak, Iran. Email: fereiduon.rezaei@gmail.com

Received: 02/01/2023

Accepted: 01/05/2023

Introduction

One of the ways to distinguish authentic ḥadiths from inauthentic ones is by examining the chain of transmission (isnād), a method that has been prevalent since early times. Many individuals have made significant contributions to purifying the sayings of the Infallibles by identifying weak transmitters in the chains of transmission. The story of Noah's mission and the event of the flood has received attention in the Bible, Islamic texts, and historical sources, with more than six hundred different legends and traditions about its nature and details. The Qur'an refers to the story of Noah's mission and the flood, mentioning some of its details. Consequently, numerous ḥadiths have been transmitted on this subject.

One notable issue in these ḥadiths is the claim that Noah's Ark circumambulated the Kaaba, a narrative found in early Shi'a sources and later transmitted by subsequent sources. This article will examine the ḥadiths related to the circumambulation of Noah's Ark around the Kaaba, both in terms of their content and their chain of transmission.

Materials and Methods

One of the well-established and widely used methods that ḥadith scholars have employed to assess the authenticity of ḥadiths is the simultaneous examination of both the chain of transmission (isnād) and the content (matn) of the traditions. Chain analysis aims to determine the reliability of the transmitters, while content analysis involves scrutinizing and evaluating the texts of the ḥadiths to identify any weaknesses in their substance. In other words, the credibility of the transmitters in the chain is evaluated based on the views of biographical scholars ('ilm al-rijāl), and subsequently, the content of the tradition is analyzed.

As mentioned in the introduction, the present article investigates the tradition regarding Noah's Ark circumambulating the Kaaba during the time of the flood, as reported in significant Shi'a sources.

Circumambulation (tawāf) is one of the rituals of Hajj and is specific to human beings. That such an act could have occurred during the dangerous and catastrophic circumstances of Noah's flood highlights the need for a thorough textual and chain-based examination of the related ḥadīths.

To this end, relevant traditions from both early and later Shi'a sources were reviewed, and the related ḥadīths were identified. The majority of these traditions are found in *al-Kāfī* by al-Kulaynī, although other ḥadīth compilers have also reported similar accounts.

Following this quantitative review, the credibility of the transmitters was assessed based on the evaluations of both classical and later biographical scholars. While some of the transmitters in the chains are trustworthy and reliable, the presence of some unknown or weak transmitters seriously challenges the authenticity of these ḥadīths.

Subsequently, we examined the content of the traditions concerning the circumambulation of Noah's Ark around the Kaaba. This section revealed that the traditions in question exhibit significant textual discrepancies.

Results and Findings

A systematic examination of the subject of Noah's Ark circumambulating the Kaaba reveals that initially, Shaykh al-Kulayni collected the traditions related to the circumambulation of the Ark, and after him, these traditions were discussed by other ḥadīth scholars of the Four Books and other ḥadīth collections. Al-Kulayni narrated five ḥadīths from his teachers. The first and second traditions are from a weak transmitter named Ḥasan ibn Ṣāliḥ from Imam Ja'far al-Ṣādiq, and the third tradition is from an unknown individual named Ḥisham al-Khurasani, also from Imam Ja'far al-Ṣādiq. The weakness of the fourth tradition is attributed to 'Ali ibn Ḥamzah al-Baṭā'ini, one of the leaders of the Waqifah sect. The sixth tradition is narrated by Shaykh al-Ṣaduq using the word "rawa," which makes it considered as mursal (unattributed). The seventh and eighth traditions are transmitted through Muḥammad ibn Sinān and Muḍaffal ibn 'Umar, and biographical scholars have differing opinions about these two individuals, with the evidence leaning toward their being criticized. The ninth tradition is the same as Shaykh al-Kulayni's tradition, transmitted through Ḥasan ibn Ṣāliḥ, whose weakness was noted earlier. Therefore, despite the presence of trustworthy and reliable individuals, weak and unknown transmitters in the chain of transmission have weakened the authenticity of these traditions.

In terms of content, these traditions exhibit internal and external contradictions. There is a conflict regarding the size of the Ark, with some traditions stating the width of the Ark as 800 cubits, while others mention it as 100 cubits. Similarly, some say the height of the Ark was 200 cubits, while others state it was 80 cubits. On the other hand, in traditions one, two, four, six,

seven, eight, and nine, the landing place of the Ark is mentioned as Mount Judi without any supporting evidence, but in tradition three, the landing place of the Ark is identified as the Euphrates in Kufa. In Shaykh al-Ṭusi's tradition, Noah disembarks from the Ark, wading into the water up to his knees, then retrieves a coffin containing the bones of Adam and carries it back into the Ark. This implies that the depth of the water Noah entered was up to his knees! How could such a large Ark have moved in such a shallow depth?

As for the circumambulation of the Ark, it must be noted that this action is exclusive to human beings as part of the rituals of Hajj. The idea that this act occurred under the dangerous and catastrophic circumstances by the Ark is worth reconsidering. Finally, given rational indicators and natural signs, the regional nature of Noah's flood (in the Tigris and Euphrates region) and its distance from Mecca gain strength.

Conclusion

The story of Noah's flood, as one of the common topics between ancient and modern sources, is an undeniable truth. However, there are contradictory reports regarding the nature and details of this event. The Qur'an refers to Noah's mission, the rejection of his invitation by the majority of his people, and the occurrence of the flood. In Islamic traditions, Noah's flood is discussed in greater detail. One of the notable issues in these traditions is the circumambulation of Noah's Ark around the Kaaba. In the present work, the traditions related to the circumambulation of Noah's Ark around the Kaaba were gathered, examined, and analyzed. Despite the presence of trustworthy and reliable individuals, there are weak and unknown figures in the chain of transmission, which weakens the authenticity of these ḥadīths. Additionally, the chains of some of these traditions, despite having somewhat reliable chains, are mursal (unattributed) and mafru (elevated). In terms of content, these traditions also exhibit internal and external contradictions.

Keywords: Sanad and Dalalah Examining, Traditions, Circumambulation of Noah's Ark, Kabah.